



دروازه‌های خیر

از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم



شاکرالذہبے

(الله عزوجل، پدر و مادر او را ببخشاید)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این کتاب را تقدیم می‌دارم به آنانی که
دنبال راه‌های خیر اند، لکن نمی‌دانند آنرا از
کجا و به زبان چه کسی بشنوند؟!



مقدمه ۸/

توبه و بازگشت بسوی الله عزوجل ۱۰/

خارج شدن در طلب علم ۱۰/

ذکر الله عزوجل ۱۱/

راهنمایی مردم به کارهای نیکو و پسندیده ۱۳/

دعوت بسوی دین الله عزوجل و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم ۱۳/

دستور به کارهای نیکو، ونهی از کارهای منکر و بدعت... ۱۴/

تلاوت قرآن کریم ۱۶/

تدریس و آموختن قرآن کریم ۱۷/

سلام دادن ۱۸/

دوست داشتن همدیگر بخاطر الله عزوجل ۱۹/

عیادت مریض ۲۱/

آسانی کردن با قرضدار ۲۲/

پوشش عیب مؤمن ۲۳/

برقرار نمودن صله‌ی رحم ۲۴/

داشتن اخلاق نیکو ۲۵/



- ۲۵/..... راستگویی
- ۲۷/..... فرو بردن خشم و غصه
- ۲۷/..... کفاره‌ی مجلس
- ۲۸/..... صبر و بردباری
- ۳۲..... نیکویی با والدین
- ۳۲/..... تأمین نیازهای زنان بیوه و مسکین
- ۳۳/..... کفالت و سرپرستی یتیم
- ۳۳/..... وضو نمودن
- ۳۴/..... گفتن کلمه‌ی شهادت پس از وضوء
- ۳۵/..... کسی که هنگام شنیدن اذان این کلمات را بگوید
- ۳۶/..... اعمار مسجد
- ۳۷/..... مسواک استعمال کردن
- ۳۸/..... رفتن بسوی مسجد
- ۳۹/..... ادای نمازهای پنجگانه
- ۴۰/..... فضیلت ادا کردن نماز صبح و عصر در وقت آن
- ۴۲/..... ادای نماز جمعه
- ۴۵/..... ساعت اجابت دعا در روز جمعه
- ۴۵/..... ادای سنن رواتب



- ۴۵/..... پس ارتکاب گناهی
- ۴۸/..... نماز شب گزاریدن
- ۴۸/..... نماز صبحی
- ۵۰/..... درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه وسلم
- ۵۳/..... روزه گرفتن
- ۵۴/..... روزه‌ی ماه رمضان
- ۵۵/..... روزه‌ی سه روز از هرماه
- ۵۷/..... روزه‌ی ست شوال
- ۵۸/..... روزه‌ی روز عرفه
- ۵۹/..... روزه‌ی روز عاشورا
- ۵۹/..... افطاری دادن روزه دار
- ۶۰/..... زنده داری شب قدر
- ۶۱/..... صدقه و انفاق در راه الله عزوجل
- ۶۳/..... حج و عمره نمودن
- ۶۴/..... انجام عمل صالح در دهه ذی الحجه
- ۶۵/..... جهاد در راه عزوجل
- ۶۹/..... انفاق در راه الله عزوجل
- ۶۹/..... ادای نماز جنازه، و ماندن تا دفن آن



- ۷۱/..... حفظ زبان و شرمگاه.....
- ۷۵/..... گفتن لا إله إلا الله، وسبحان الله وبحمده.....
- ۷۷/..... دور کردن اشیایی مضر از راه.....
- ۷۸/..... سرپرستی و تربیت فرزندان دختر.....
- ۷۹/..... ترحم بر حیوانات.....
- ۸۰/..... ترک خصومت و دعوی.....
- ۸۱/..... زیارت دوستان بخاطر الله عزوجل.....
- ۸۲/..... اطاعت زن از شوهرش.....
- ۸۳/..... دست دراز نکردن (به عنوان گدایی) طرف مردم.....
- ۸۴/..... فهرست مصادر و مراجع.....



مقدمه

الحمد لله رب العالمين، و الصلاة والسلام علي رسوله
الأمين وعلي آله و صحبه و من سلك سبيلهم و اقتفي أثرهم
إلي يوم الدين أما بعد:

هر مؤمن دنبال راه های خیر و نیکوست، تا بدانشا دست یابد،
و بوسیله ی آنان رضایت رحمان را کسب کند، و با صالحین در
بهشت یکجا گردد، از این رو؛ در این کتاب به احادیثی
پرداخته ام که در آن راه های خیر به زبان امام الانبیاء، محمد
رسول الله صلی الله علیه و سلم بیان شده است، تا با انجام دادن
و ابلاغ آنها در ردیف انجام دهندگان خیر قرار گیریم. ان شاء
الله

از پروردگار یکتا الله و خالق بشریت - سبحانه و تعالی -
مسألت دارم؛ این کوشش ناچیز مرا در ترازوی حسنات و نیکی
های این بنده ناچیز و سایر برادران عزیز که در تصحیح و
بازنگری آن همکاری نموده اند قرار دهد! از بارگاه رب العزت
و الجلال برای شما خواننده عزیز و دوستانی که در به ثمر
رسیدن این کتاب نقشی داشته اند، و برای تمامی برادران و



خواهران مسلمان طول عمر و سعادت در دو جهان استدعا دارم.

اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

شاكرالذهبي

پشاور - پاکستان



۱. توبه و بازگشت بسوی الله عزوجل

توبه یعنی: بازگشت از معصیت الله به طاعت او.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - : «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «مَنْ تَابَ قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ»^۱.

یعنی: از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «هر فردی که پیش از طلوع نمودن آفتاب از مغرب توبه کند، الله توبه اش را می پذیرد».



۲. خارج شدن در طلب علم

علم: درک نمودن هر چیزی به طور قطعی به همان صورتی است که وجود دارد و با داخل نمودن علوم از خارج به داخل صورت می گیرد.

عمل: خارج کردن علم از داخل قلب به بیرون به صورت قول مانند سخن یا عمل شبیه وضو و نماز یا اخلاق همانند حیا

و ...

۱- مسلم حدیث شماره ۲۷۰۳.



عن أبي هريرة - رضي الله عنه - أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قال: «مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ»^۱.

ترجمه: أبو هریره - رضي الله عنه - از پیامبر - صلى الله عليه وسلم - نقل می کند که فرمود: کسی که راهی جهت فراگیری علم در پیش گیرد، الله برایش راهی به سوی بهشت هموار می سازد.

یوسف بن اسباط رحمه الله می گوید:

اگر بابی از علم پیاموزی بهتر از هفتاد سفر جهاد است، و معافی بن عمران می گوید: نوشتن يك حدیث را دوست تر دارم از نماز شب و شب زنده داری به نماز.^۲



۳. ذکر الله عزوجل

وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «أَلَا أُتْبِئُكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ، وَأَزْكَاهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ، وَأَرْفَعَهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ، وَخَيْرِ لَكُمْ مِنْ إِنْفَاقِ الذَّهَبِ

۱- مسلم حدیث شماره ۲۶۹۹.

۲- تلبیس ابلیس، ص: ۲۰۱.



وَالْوَرِقِ، وَخَيْرٍ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَلْقَوْا عَدُوَّكُمْ فَتَضْرِبُوا أَعْنَاقَهُمْ
وَيَضْرِبُوا أَعْنَاقَكُمْ؟ قَالُوا بَلَى. قَالَ: ذِكْرُ اللَّهِ تَعَالَى»^۱.

یعنی: «آیا شما را از بهترین اعمال با خبر نگردانم که نزد پروردگارتان پاکیزه تر است و بیش از هر چیز باعث بالا رفتن درجات شماست و برای شما از بخشش طلا و جواهرات نیز بهتر است، حتی از این هم بهتر است که با دشمنان روبرو شوید و گردن آنها را بزنید و آنها گردن شما را بزنند؟» اصحاب گفتند: بلی پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم -، فرمود: یاد الله تعالی».

نکته: برترین ذکرها تلاوت و قرائت قرآن کریم، سپس تسبیح (سبحان الله) و تحمید (الحمد لله) و تکبیر (الله أكبر) و تهلیل (لا إله إلا الله) و دو حول (لا حول ولا قوة إلا بالله العلی العظیم) می باشد. به این ترتیب شایسته است که فرد مسلمان بر ذکر الله با کلامی پاک و سودمند تداوم داشته باشد.

و اینکه، آنچه صوفیه به هنگام ذکر (مانند: الله، الله، یا: هو هو!)، می گویند، اینها ذکر محسوب نمی شوند، بلکه اعمال

۱- ترمذی ۴۵۹/۵، وابن ماجه ۱۲۴۵/۲ ونگا: صحیح ابن ماجه ۳۱۶/۲ و صحیح الترمذی ۱۳۹



بدعی و شیطانی است که برای آن اجر و پاداشی از جانب رحمان وجود ندارد.



۴. راهنمایی مردم به کارهای نیک و پسندیده

عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ»^۱.

یعنی: از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هر کار نیکی، صدقه است».



۵. دعوت بسوی دین الله عزوجل و سنت پیامبر صلی الله علیه

وسلم

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ دَعَا إِلَى هُدًى، كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجُورِ مَنْ تَبِعَهُ، لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا، وَمَنْ دَعَا إِلَى

۱- (مسلم: ۱۰۰۵).



صَلَاةً، كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ، لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئًا»^۱.

یعنی: ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «کسی که به سوی هدایت، راهنمایی نماید، همان اجر و پاداشی که به فرد تبعیت کننده می‌رسد به او نیز خواهد رسید، بدون اینکه از اجر و پاداش آن‌ها چیزی کم شود، و فردی که به سوی گمراهی راهنمایی نماید، همان اندازه گناه که به شخصی که از او تبعیت می‌کند، می‌رسد به او نیز خواهد رسید، بدون اینکه از گناهان آن‌ها چیزی کم شود».



۶. دستور به کارهای نیکو، ونهی از کارهای منکر

و بدعت

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ

۱- مسلم حدیث شماره ۲۶۷۴.



بَيِّدَهُ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ
أَضْعَفُ الْإِيمَانِ»^۱.

یعنی: از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌فرمود: «هرکس از شما کار زشت و ناپسندی دید، آن را به دست خویش تغییر دهد و اگر نتوانست، پس با زبان خود از آن منع کند و اگر این را هم نتوانست، پس به قلب خویش آن را بد بداند و این ضعیف‌ترین درجه ایمان است».

هنگامی که اولین شهید محراب فاروق اعظم رضی الله عنه؛ ضربت خورده بود، جوانی نزد او آمد و مطلبی را با وی در میان گذاشت. اما هنگامی که می‌خواست بیرون برود، عمر بن خطاب رضی الله عنه او را صدا زد و خطاب به او فرمود: ای برادر زاده‌ی من! لباست را بالا بزن؛ زیرا این امر، موجب پاکیزگی لباس و دوری از معصیت پروردگار می‌گردد»^۲.

این حادثه چقدر مرا متأثر نمود؛ زیرا کسی که در انتظا مرگ است باز هم امر به معروف می‌کند و آن جوان را از کاری که

۱- مسلم حدیث شماره ۴۹.

۲- [فتح الباری (۶۰/۱)].



مردم امروزی آن را بسیار ناچیز و بی ارزش می دانند، منع می نماید.



۷. تلاوت قرآن کریم

عَنْ أَبِي أُمَامَةَ الْبَاهِلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «افْرَأُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفِيعًا لِأَصْحَابِهِ افْرَأُوا الزَّهْرَاوِينَ الْبَقْرَةَ وَسُورَةَ آلِ عِمْرَانَ فَإِنَّهُمَا تَأْتِيَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَأَنَّهُمَا عَمَامَتَانِ أَوْ كَأَنَّهُمَا غَيَاتَانِ أَوْ كَأَنَّهُمَا فِرْقَانِ مِنْ طَيْرٍ صَوَفَّ تَحَاجَّانِ عَنْ أَصْحَابَيْهِمَا افْرَأُوا سُورَةَ الْبَقْرَةِ فَإِنَّ أَخْذَهَا بَرَكَةٌ وَتَرْكُهَا حَسْرَةٌ وَلَا تَسْتَطِيعُهَا الْبَطْلَةُ» (قَالَ مُعَاوِيَةُ: بَلَّغَنِي أَنَّ الْبَطْلَةَ السَّحْرَةُ).^۱

یعنی: ابوامامه باهلی رضی الله عنه می گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمود: «قرآن بخوانید؛ زیرا قرآن روز قیامت برای صاحبانش، شفاعت می کند. دو سوره نورانی بقره و آل عمران را بخوانید؛ زیرا آن دو روز قیامت به شکل دو ابر یا دو سایبان یا دو گروه پرنده که بال گشوده اند، می آیند و از صاحبانشان، دفاع می کنند. سوره بقره را بخوانید؛ زیرا یاد

۱- مسلم حدیث شماره ۸۰۴



گرفتن آن برکت است و ترک کردن آن باعث حسرت می‌شود و ساحران تاب و تحمل آن را ندارند».

ابراهیم الخواص «رحمه الله» می‌فرماید: دواي قلب پنج چیز است که عبارتند از:

«قراءة القرآن بالتفكر، خلاء البطن، قيام الليل، التضرع عند السحر، مجالسة الصالحين»^۱.

یعنی:

- (۱) تلاوت قرآن با تدبّر در مفهوم و معانی آن.
- (۲) خالی نگهداشتن شکم (کم خوردن).
- (۳) شب زنده داری برای عبادت.
- (۴) تضرّع و زاری هنگام سحر در بارگاه خداوندی.
- (۵) همنشینی با صالحان و نیکوکاران.



۸. تدریس و آموختن قرآن کریم

عَنْ عُمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
قَالَ: «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ»^۲.

۱- رسائل ابن رجب (۱/۲۶۳).

۲- بخاری حدیث شماره ۵۰۲۷.



یعنی: عثمان رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می‌نماید که فرمود: «بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و به دیگران نیز تعلیم دهد».



۹. سلام دادن

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا، وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا، أَوْ لَا أَدْرِكُكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفْسُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ»^۱.

یعنی: ابوهریره رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه وسلم روایت می‌نماید که فرمود: «به بهشت وارد نمی‌شوید تا این که مؤمن باشید، و مؤمن نمی‌شوید تا این که نسبت به یکدیگر محبت داشته باشید، آیا شما را به کاری راهنمایی نکنم که اگر آن را انجام دادید، با یکدیگر، دوست می‌شوید؟ سلام دادن را میان خود رواج دهید».

یکی از سلف می‌گوید: اسباب ألفت در بین مؤمنین دوازده چیز است:

۱- مسلم حدیث شماره ۵۴



تواضع و فروتنی، تعارف و معاشرت با مردم، برپایی حقوق مسلمین و التزام به آن، افشاء و رواج سلام دادن، زیارت مسلمانان و عیادت آنها در وقت بیماری، به نرمی سخن گفتن (کلام اللین)، عفت و پاکدامنی، سعی در اصلاح بین مسلمانان، اهتمام به امور مسلمین و احسان در آنان، هدیه دادن به همدیگر و اخلاق حسنه و نیکو.



۱۰. دوست داشتن همدیگر بخاطر الله عزوجل

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: أَيُّنَ الْمُتَحَابِّينَ بَجَلَالِي؟ الْيَوْمَ أَظْلَهُمْ فِي ظِلِّي يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا لِي.»^۱

یعنی: از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که گفت: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: الله روز قیامت می فرماید: «کجایند کسانی که به خاطر من یکدیگر را دوست می داشتند؟! امروز آن ها را زیر سایه ام جای خواهم داد، روزی که هیچ سایه ای جز سایه ی من نیست.»

۱- مسلم: ۲۵۶۶.



از ابن عباس - رضي الله عنه - روایت است که گفت: هر که محبت و بغضش و نیز خصومت و صلحش، بخاطر الله باشد، با این کار به مقام ولایت الله دست خواهد یافت. و انسان هر چند نماز و روزه بجا آورد، تا چنین نباشد، طعم ایمان را نخواهد چشید. ولی امروز تمام برادریها و محبتها بر اساس امور دنیا پایه ریزی شده و نتیجه ای مثبتی از آنها عاید نمی شود. (ابن جریر)

محبت بر سه نوع است:

اول: محبت حسی، مانند: دوست داشتن زیباییها،

دوم: محبت معنوی، که به محبت اجلال و اکرام نیز یاد می شود، مانند: محبت شاگرد نسبت به استادش، و محبت فرزند نسبت به پدرش،

سوم: محبت طبیعی، مانند محبت داشتن به کسی که برای انسان کار خیر و نیکی را انجام می دهد، و شکی نیست که اسباب انواع سه گانه محبت در شخص پیامبر صلی الله علیه وسلم به شکل اکمل آن وجود دارد، زیرا اول آنکه: دارای جمال ظاهر و باطن بودند، دوم آنکه: مستجمع همه انواع فضائل به اکمل وجه آن بودند، سوم آنکه: سبب هدایت مردم



به سوی فلاح و رستگاری در این دنیا، و شفاعت آن‌ها غرض نجات از دوزخ در آخرت می‌باشند، بنابراین باید ایشان را از همگان و حتی از دنیا و ما فیها بیشتر دوست داشت.



۱۱. عیادت مریض

وَعَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَعُودُ مُسْلِمًا غُدْوَةً؛ إِلَّا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى يُمْسِيَ، وَإِنْ عَادَ عَشِيَّةً؛ إِلَّا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى يُصْبِحَ، وَكَانَ لَهُ خَرِيفٌ فِي الْجَنَّةِ»^۱.

یعنی: از علی رضی الله عنه روایت است: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمودند: «مسلمانی نیست که صبحگاه مسلمانی را عیادت کند، مگر اینکه هفتاد هزار فرشته تا شب برای او دعا می‌کنند و اگر شامگاهی او را عیادت کند هفتاد هزار فرشته تا صبح برای او دعا می‌کنند؛ و برای او میوه‌های چیده در بهشت مهیا می‌باشد».





۱۲. آسانی کردن با قرضدار

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ يَسَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ، وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ. وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَعَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ، وَحَقَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ، وَمَنْ بَطَّأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ»^۱.

یعنی: از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هر کس تنگی و غمی از تنگی ها و غم های دنیا را از مؤمنی برطرف کند، الله تنگی و غمی از تنگی ها و غم های قیامت را از او برطرف می کند و هر کس با بدهکار تنگدستی، آسان گیری کند، الله در دنیا و آخرت با او آسان گیری می کند و کسی که (عیب)

۱- مسلم روایت کرده است: [۲۶۹۹].



مسلمانی را بپوشاند، الله در دنیا و آخرت (عیوب و گناهان) او را می پوشاند؛ الله یار بنده است تا وقتی که بنده یار برادر خود باشد. و هر کس راهی را برای جستجوی علم در پیش بگیرد، الله با آن، راهی به سوی بهشت برای او هموار می نماید؛ و هر گاه عده ای در یکی از خانه های الله (مساجد) جمع شدند که کتاب الله را تلاوت کنند و به همدیگر آن را تعلیم دهند، آرامش بر آنها وارد می شود و رحمت الله آنها را فرا می گیرد و ملائکه به دور آنها حلقه می زنند و الله آنها را در نزد کسانی که نزد اویند یاد می کند؛ و کسی که عمل خیرش نتواند به او کمک کند، (عملی نداشته باشد، یا عملش خالصانه و مقبول نباشد)، نسب او هیچ فایده ای برای او ندارد و به دادش نمی رسد».



۱۳. پوشش عیب مؤمن

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَسْتُرُ عَبْدٌ عَبْدًا فِي الدُّنْيَا إِلَّا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است (۲۵۹۰).



یعنی: از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هر بنده ای، (عیوب) بنده ای دیگر را در دنیا بپوشاند، الله عیوب او را در قیامت می پوشاند».



۱۴. برقرار نمودن صله‌ی رحم

وعن عائشة قالت: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الرَّحْمُ مَعْلَقَةٌ بِالْعَرْشِ تَقُولُ: مَنْ وَصَلَنِي وَصَلَهُ اللهُ، وَمَنْ قَطَعَنِي، قَطَعَهُ اللهُ»^۱.

یعنی: از عایشه رضي الله عنها روایت است که رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: رحم (خویشاوندی) بر عرش معلق و آویزان بوده و می گوید: آنکه مرا پیوسته دارد، الله او را پیوسته دارد و آنکه مرا می بُرد الله او را ببرد.



۱- بخاری: (۳۵۰/۱۰)، و مسلم: (۲۵۵۵).



۱۵. داشتن اخلاق نیکو

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «أَكْثَرُ مَا يُدْخِلُ الْجَنَّةَ تَقْوَى اللَّهِ وَحُسْنُ الْخَلْقِ»^۱.

یعنی: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «بیشترین اسبابی که موجب ورود به بهشت می شود، رعایت تقوای الله و اخلاق نیکوست».



۱۶. راستگویی

عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ، فَإِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ، وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ، وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَصْدُقُ وَيَتَحَرَّى الصِّدْقَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ صِدِّيقًا، وَإِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ، فَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ، وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ، وَمَا

۱- ترمذی: (۲۰۰۳).



يَزَالُ الرَّجُلُ يَكْذِبُ وَيَتَحَرَّى الْكَذِبَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَابًا.^۱

یعنی: از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «راست بگوید، همانا صدق و راستی، انسان را به سوی نیکی رهنمون می‌شود؛ و نیکی، انسان را به بهشت می‌رساند. و شخص، پیوسته راست می‌گوید تا این که نزد الله، به عنوان صدیق و راستگو نوشته می‌شود. و از دروغ پرهیز کنید، بی‌گمان کذب و دروغ، انسان را به فسق و فجور می‌کشاند و فسق و فجور، انسان را به جهنم می‌رساند. و شخص، همواره دروغ می‌گوید تا این که نزد الله، به عنوان کذاب و دروغگو نوشته می‌شود».

انس رضی الله عنه می‌گوید:

ما در عصر پیامبر صلی الله علیه وسلم دروغ نمی‌گفتیم، و اصلاً نمی‌دانستیم که «دروغ» چیست؟!^۲



۱- متفق علیه؛ بخاری حدیث شماره ۶۰۹۴ و مسلم حدیث شماره ۲۶۰۷ با لفظ مسلم.

۲- مصنف ابن ابی شیبہ.



۱۷. فرو بردن خشم و غصه

وعن معاذ بن أنس رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه و سلم قال: «من كظم غيظًا وهو قادرٌ علي أن ينفذهُ دعاهُ اللهُ سبحانه وتعالى علي رؤوسِ الخلائقِ يومَ القيامةِ حتّي يخيّرهُ من الحورِ ما شاء»^۱.

یعنی: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «هرکس خشمی را فرو خورد در حالی که قادر به عمل به آن می باشد، الله پاک و متعال در روز قیامت بر بالای سر مردم او را صدا می زند تا هر حوری که می خواهد انتخاب نماید».



۱۸. کفاره‌ی مجلس

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ جَلَسَ فِي مَجْلِسٍ فَكَثُرَ فِيهِ لَعْنُهُ، فَقَالَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ مِنْ مَجْلِسِهِ ذَلِكَ: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ، إِلَّا غُفِرَ لَهُ مَا كَانَ فِي مَجْلِسِهِ ذَلِكَ»^۲.

۱- ترمذی: (۲۰۲۲).

۲- صحیح: احمد حدیث شماره ۱۰۴۲۰ و ترمذی حدیث شماره ۳۴۳۳ با لفظ ترمذی



یعنی: ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: کسی که در مجلسی شرکت کرد و در آنجا سخنان بیهوده ی زیادی گفته شد، قبل از اینکه از جلسه اش بلند شود، چنین بگوید: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَتُوبُ إِلَيْكَ» گناهایی که در آن مجلس مرتکب شده است، مورد مغفرت قرار می گیرند.



۱۹. صبر و بردباری

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ وَأَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ، وَلَا هَمٍّ وَلَا حُزْنٍ، وَلَا أَدَى وَلَا غَمٍّ، حَتَّى الشُّوْكَةِ يُشَاكَّهَا، إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ»^۱.

یعنی: ابوسعید خدری و ابوهریره رضی الله عنهما می گویند: نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «مسلمان، دچار هیچگونه خستگی، بیماری، نگرانی، ناراحتی، گرفتاری و غمی نمی شود مگر اینکه الله به وسیله آنها، گناهایش را می بخشد.



حتی خاری که به پایش می‌خلد» (باعث کفاره گناهانش می‌شود).

صبر نقیض جزع و فزع می‌باشد بمعنای حبس نفس، شکیبایی کردن، پاییدن، واداشتن نفس بر مکاره، تحمل سختیها و ترک شکایت به مردم است.

امام رازی در تفسیر کبیر جوانب مختلف صبر را توضیح نموده، گفته است: صبر دو قسم است: یکی بدنی، و آن تحمل بدن است مشقات را.

و دیگر نفسانی، و آن باز داشتن نفس است از مشتیهات طبع. و این قسم اگر صبر از شهوت باشد آن را عفت نامند، و اگر بر احتمال مکروه باشد اسامی مختلف دارد چنانکه صبر در مصیبت را صبر نامند، و اگر صبر در حال غنی باشد آن را ضبط نفس نامند، و اگر در نبرد باشد شجاعت خوانند، و اگر در کظم غیظ بود حلم نامند، و اگر در نوایب باشد سعه صدر گویند، و اگر در اخفای کلام بود کتمان سر نامند، و اگر در فضول عیش باشد زهد گویند، و اگر بر مقداری از مال بود قناعت خوانند، و این همه را صبر نامند.



صبر بر سه گونه می‌باشد:

۱- صبر بر طاعات و عبادات، و آن اینکه انسان نفس خود را بر ادای طاعات و عبادات و ادار ساخته، و بدون سستی و سکتگی و یا اظهار خستگی و ماندگی آن عبادات را طبق اوامر پروردگارش انجام دهد.

۲- صبر از معاصی و محرمات، و آن اینکه انسان از آنچه که پروردگارش حرام قرار داده است - اعم از اینکه به حقوق الله تعلق داشته باشد و یا به حقوق العباد - پرهیز نماید، و این کار را انسان زمانی میتواند انجام دهد که به عقوبت دنیوی و اخروی گناه، و هم چنان به اضرار فردی و اجتماعی محرمات باور داشته باشد.

۳- صبر در برابر مقدرات الهی.

و مقدرات الهی بر دو گونه است:

یکی آن مقدراتیکه بنده ها دران هیچ نقشی ندارند.

دوم: آن مقدراتیکه توسط مردم رخ می‌دهد، مانند ایذا و اذیت‌های مادی و معنوی که توسط مردم به انسان میرسد.



ثمره و فوائد صبر:

از لابلای آیات و نصوص وارده پیرامون صبر میتوان برخی فواید و ثمره های آن را بطور فشرده ذکر کرد:

۱- صبر وسیله خوبی برای حصول هدایت قلبی و آرامش روحی می باشد.

۲- صبر دلیل کمال ایمان و حسن اسلام صبر کننده می باشد.

۳- صبر یکی از وسائل کسب محبت الهی و دوستی مردم می باشد.

۴- صبر سبب نایل گردیدن به تمکین در زمین می باشد.

۵- صبر یکی از اسباب نایل شدن به بهشت و رهایی از دوزخ می باشد.

۶- سبب حصول معیت و کمک الله تعالی می باشد.

۷- صبر یکی از علایم خوبی از مظاهر و علایم رجولت و مردانگی به شمار می رود.

۸- صبر وسیله کسب تحسین و آفرین از طرف پروردگار است.





۲۰. نیکویی با والدین

عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم «رغم أنفه (أي أصابه الذل والخزي) ثم رغم أنفه، ثم رغم أنفه». قيل: من يا رسول الله؟ قال: من أدرك والديه عند الكبر؛ أحدهما أو كليهما، ثم لم يدخل الجنة.^۱

یعنی: «پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: خوار و ذلیل شود، خوار و ذلیل شود، خوار و ذلیل شود.

پرسیدند چه کسی یا رسول الله صلی الله علیه وسلم؟ فرمود: کسی که والدینش را در وقت پیری دریابد، یکی یا هر دو را، ولی وارد بهشت نشود».



۲۱. تأمین نیازهای زنان بیوه و مسکین

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رضي الله عنه - قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ - صلى الله عليه وسلم - : «السَّاعِي عَلَى الْأَرْمَلَةِ وَالْمَسْكِينِ، كَأَلْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أَوْ الْقَائِمِ اللَّيْلِ الصَّائِمِ النَّهَارَ».^۲

۱- مسلم: (۲۵۵۱).

۲- بخاری: (۵۳۵۳).



یعنی: ابوهریره - رضي الله عنه - مي گوید: نبي اکرم - صلی الله عليه وسلم - فرمود: «کسي که در جهت تأمین نیازهاي زنان بیوه و مساکین، تلاش مي کند، مانند کسي است که در راه الله، جهاد مي نماید و یا مانند کسي است که شب ها را در عبادت بسر مي برد و روزها را روزه مي گیرد».



۲۲. کفالت و سرپرستی یتیم

عَنْ سَهْلِ - رضي الله عنه - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صلی الله عليه وسلم - : «أَنَا وَكَافِلُ الْيَتِيمِ فِي الْجَنَّةِ هَكَذَا» وَأَشَارَ بِالسَّبَابَةِ وَالْوُسْطَى وَفَرَجَ بَيْنَهُمَا شَيْئًا^۱.

یعنی: سهل مي گوید: رسول الله - صلی الله عليه وسلم - با اشاره دو انگشت سبابه و میانه که قدری میان آنها فاصله انداخته بود، فرمود: «من و سرپرست یتیم در بهشت، اینگونه خواهیم بود».



۱- (بخاری: ۵۳۰۴).



۲۳. وضو نمودن

عَنْ عُمَانَ بْنِ عَفَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ خَرَجَتْ خَطَايَاهُ مِنْ جَسَدِهِ، حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ تَحْتِ أَظْفَارِهِ».^۱

یعنی: از عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «هرکس وضوء بگیرد و آن را کامل و نیکو بگرداند، گناهانش از بدن وی حتی از زیر ناخن هایش بیرون می ریزد».



۲۴. گفتن کلمه‌ی شهادت پس از وضوء

وَعَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ يَتَوَضَّأُ فَيُبْلِغُ أَوْ فَيُسْبِغُ الْوُضُوءَ ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، إِلَّا فَتَحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ».^۲

۱- مسلم حدیث شماره ۲۴۵.

۲- مسلم حدیث شماره ۲۳۴.



یعنی: از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «هر کدام از شما وضوء بگیرد و آن را به صورت کامل (و شرعی) بگیرد و سپس بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»: گواهی می‌دهم که جز الله معبودی به حق نیست و تنها و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد صلی الله علیه وسلم بنده و فرستاده‌ی الله است، درهای هشت‌گانه‌ی بهشت برای او گشوده می‌شود که از هر دری که بخواهد، داخل آن گردد».



۲۵. کسی که هنگام شنیدن اذان این کلمات را بگوید

وَعَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ النِّدَاءَ: اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةِ آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتُهُ، حَلَّتْ لَهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱.

۱- بخاری حدیث شماره ۶۱۴.



یعنی: جابر رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «کسی که هنگام شنیدن اذان بگوید: «اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةِ آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ». «یا الله! ای پروردگار این دعوت کامل و نماز بر پا شده، وسیله و فضیلت را به محمد عطا فرما و در روز قیامت او را به مقام محمود و ستوده‌ای که به او وعده داده‌ای مبعوث فرما».

۲۶. اعمار مسجد

عَنْ عُمَانَ بْنِ عَفَّانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا لِلَّهِ بَنَى اللَّهُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ مِثْلَهُ».

یعنی: عثمان رضی الله عنه می گوید از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: «هرکس برای خوشنودی الله مسجدی بنا کند، الله خانه‌ای مانند آن، در بهشت برای وی بنا خواهد کرد».

عن الأوزاعي، قال: «كان يقال: خمس كان عليها أصحاب محمد صلى الله عليه وسلم والتابعون بإحسان، لزوم الجماعة،



واتباع السنة، وعمارۃ المسجد، وتلاوة القرآن، والجهاد في سبيل الله».

یعنی: امام اوزاعی رحمه الله فرمود: «پنج چیز بود که اصحاب محمد صلی الله علیه وسلم و تابعینی که در نیکی از آنها پیروی کردند همواره بر آن پایبند بودند:

۱. التزام به جماعت،
۲. پیروی از سنت نبوی،
۳. آبادانی مسجد،
۴. و تلاوت قرآن،
۵. و جهاد در راه الله»^۱.



۲۷. مسواک استعمال کردن

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَوْلَا أَنْ أَسُقَّ عَلَى أُمَّتِي أَوْ عَلَى النَّاسِ لِأَمْرِهِمْ بِالسَّوَاكِ مَعَ كُلِّ صَلَاةٍ»^۲.

^۱ - حلیة الأولیاء از حافظ ابو نعیم اصفهانی.

^۲ - متفق علیه؛ بخاری حدیث شماره ۸۸۷ و مسلم حدیث شماره ۲۵۲ با لفظ بخاری



یعنی: ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «اگر بر امت من - یا بر مردم - سخت نبود به آنها امر می کردم که برای هر نمازی مسواک بزنند.»



۲۸. رفتن بسوی مسجد

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ عَدَا إِلَى الْمَسْجِدِ وَرَاحَ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ نُزْلَهُ مِنَ الْجَنَّةِ كُلَّمَا عَدَا أَوْ رَاحَ»^۱.

یعنی: ابوهریره رضی الله عنه می گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «هرکس به مسجد رفت و آمد کند، الله برای هر رفت و برگشت او، ضیافتی در بهشت تدارک می بیند.»

نَحَى رَحْمَهُ اللَّهُ مَيَّ گويد: «كفى علماً على النفاق أن يكون الرجل جار المسجد لا يرى فيه»^۲.

یعنی: از نشانه های شناخت نفاق اینست که شخصی همسایه مسجد باشد و در مسجد دیده نشود.

۱- متفق علیه؛ بخاری حدیث شماره ۶۶۲ و مسلم حدیث شماره ۶۶۹ با لفظ بخاری

۲- فتح الباری لابن رجب (۵/۴۵۸).



سعید بن المسیب رحمه الله می گوید: «ما أذن المؤذن منذ ثلاثين سنة، إلا وأنا في المسجد»^۱.
 یعنی: در طول ۳۰ سال (زندگیم) همواره قبل از این که مؤذن اذان بگوید در مسجد (حاضر) بودم.



۲۹. ادای نمازهای پنجگانه

وعن عثمان بن عفان رضي الله عنه قال: سمعتُ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا مِنْ أَمْرِيٍّ مُسْلِمٍ تَحَضَّرُهُ صَلَاةٌ مَكْتُوبَةٌ فَيُحْسِنُ وُضُوءَهَا، وَخُشُوعَهَا، وَرُكُوعَهَا، إِلَّا كَانَتْ كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهَا مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ تُؤْتِ كَبِيرَةً، وَذَلِكَ الدَّهْرَ كُلَّهُ»^۲.

یعنی: از عثمان بن عفان - رضي الله عنه - روایت شده است که گفت: از پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - شنیدم که می فرمود: «هر مسلمانی که وقت نماز فرض او فرا رسد و او، وضوء و خشوع و رکوع آن را به نحو احسن به جا آورد، یقیناً آن نماز، کفاره ای گناهان پیش از خودش می شود، مادامی که

۱- مصنف ابن أبي شيبة (۳۵۲۲).

۲- مسلم: ۲۲۸.



گناه کبیره ای انجام نشده و این (کفاره بودن نماز فرض برای گناهان قبل از خودش) در تمام عمرش، چنین است»^۱.



۳۰. فضیلت ادا کردن نماز صبح و عصر در وقت آن

عَنْ أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ صَلَّى الْبُرْدَيْنِ دَخَلَ الْجَنَّةَ»^۲.

یعنی: ابوموسی رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «هرکس نمازهای صبح و عصر را بخواند به بهشت می رود».

۳۱. ادای نماز جمعه

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءِ، ثُمَّ أَتَى الْجُمُعَةَ، فَاسْتَمَعَ وَأَنْصَتَ، عُفِّرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ وَزِيَادَةُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ، وَمَنْ مَسَّ الْحَصَا فَقَدْ لَغَا»^۳.

یعنی: از وی رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: کسی که وضوء سازد و بعد به نماز جمعه

۱- متفق علیه؛ بخاری حدیث شماره ۶۶۲ و مسلم حدیث شماره ۶۶۹ با لفظ بخاری

۲- متفق علیه؛ بخاری حدیث شماره ۵۷۴ و مسلم حدیث شماره ۶۳۵ با لفظ بخاری

۳- مسلم: ۸۵۷.



رود و بشنود و خاموش باشد، آنچه میان او و جمعه و سه روز دیگر انجام شده آمرزیده می شود، و کسی که سنگریزه را بدستش دور کند، کار لغو و بیهوده را انجام داده است. یعنی در هنگام نماز.

عثمان بن اَبی العاص می گوید: اگر نماز جمعه و نماز جماعت نمی بود، در بلندترین جایی از حویلی ام خانه ای می ساختم و هرگز از آن خارج نمی شدم تا اینکه جسد ام را طرف قبرم می بردند.

از یکی از سلف صالح نقل است که او در زندان بود و هر روز جمعه غسل می کرد، خوشبویی استعمال و لباسهایش را می شست، سپس هنگامی که صدای اذان را می شنید به طرف درب زندان خارج می شد، پس زندانبان او را باز می فرستاد، و به وی می گفت: زندانی! بازگرد، رحمت الله شامل حالت گردد!

امام ابن قیم رحمه الله می فرماید: مشاهده می کردم که وقتی شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله برای (نماز) جمعه خارج



می شد، هر آنچه که در خانه از نان و غیره می بود را بر می داشت و در راه به صورت پنهانی صدقه می داد.^۱



۳۲. ساعت اجابت دعا در روز جمعه

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَكَرَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَقَالَ: «فِيهِ سَاعَةٌ لَا يُوَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي، يَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ». وَأَشَارَ بِيَدِهِ يُقَلِّلُهَا.^۲

یعنی: ابوهریره رضی الله عنه می گوید: روزی رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد روز جمعه، سخن گفت و فرمود: «در روز جمعه، لحظه‌ای وجود دارد که اگر بنده مومن، در آن لحظه نماز بخواند و دعا کند، الله متعال دعایش را مستجاب خواهد کرد». و با حرکات دست، کوتاهی آن لحظه را نشان داد.

^۱- زاد المعاد (۱/۳۹۵).

^۲- متفق علیه؛ بخاری حدیث شماره ۹۳۵ و مسلم حدیث شماره ۸۵۲ با لفظ بخاری



امام احمد رحمه الله می گوید:

«أكثر الحديث في الساعة التي ترجي فيها إجابة الدعوة أنها بعد صلاة العصر وترجي بعد زوال الشمس».

یعنی: «بهترین و بیشترین ساعت های که امید است دعاها مستجاب شود پس از نماز عصر و همچنین پس از غروب آفتاب می باشد».

همچنان امام ابوداود و ترمذی و نسائی از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - روایت کرده اند که فرمودند: «يَوْمُ الْجُمُعَةِ ثِنْتَا عَشْرَةَ - يَرِيدُ سَاعَةً - لَا يُوجَدُ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا آتَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَالْتَمِسُوهَا آخِرَ سَاعَةٍ بَعْدَ الْعَصْرِ».

یعنی: «روز جمعه دوازده ساعت است، هر مسلمانی از الله مسألت و درخواستی کند الله عزوجل حتما به او می دهد (حاجت او را روا می کند)، پس آخرین ساعت پس از عصر را التماس و درخواست کنید».

سپس (رحمه الله) در پایان چنین گفت: از دیدگاه من وقت نماز نیز امید اجابت دعا می رود. پس هر دو ساعت، زمان اجابت است، گرچه ساعت پایانی عصر مخصوص اجابت می باشد. و همه ای راویان براین احادیث متفق اند و رسول الله



صلی الله علیه وسلم امت خود را در این دو ساعت برای دعای توام با زاری و تضرع به سوی الله، ترغیب کرده است.

▪ ابن قییم جوزی رحمه الله می گوید:

«بیشتر سلف صالح و غالب احادیث بر این نظرند که ساعت استجابت، در اواخر عصر جمعه است.»

▪ همچنان، امام ابن قییم می گوید:

«وکان سعید بن جبیر، إذا صلی العصر، لم یُکَلِّم أحدا حتی تغرب الشمس.»

یعنی: «امام سعید بن جبیر رحمه الله پس از آن که نماز عصر روز جمعه را ادا می کرد برای به دست آوردن ساعت اجابت تا غروب خورشید با کسی سخن نمی گفت [و به دعا مشغول می شد].»

▪ مُفَضَّل بن فَضَّالَه رحمه الله پس از نماز عصر-روز

جمعه در گوشه‌ای از مسجد خلوت می کرد و تا غروب خورشید به دعا مشغول می شد.

▪ أسلم بن سهل الرزاز الواسطي می گوید:



طاووس بن گیسان رحمه الله پس از نماز عصر- روز جمعه رو به قبله می نشست و تا غروب خورشید [دعا می کرد و] با کسی سخن نمی گفت.

▪ امام ابن قیم جوزی می گوید:

منزلت روز جمعه در میان روزها مانند رمضان در بین ماه‌هاست و ساعت اجابت در روز جمعه همانند شب قدر در ماه رمضان است.

▪ یکی از صالحان می گوید:

«بین عصر و مغرب روز جمعه به درگاه الله دعا نکردم مگر این که اجابتم کرد چنان که شرمنده شدم».



۳۳. ادای سنن رواتب

وَعَنْ أُمِّ حَبِيبَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ صَلَّى اثْنَتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً فِي يَوْمِهِ وَلَيْلَتِهِ بُنِيَ لَهُ بِهِنَّ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ». رَوَاهُ مُسْلِمٌ. وَفِي رِوَايَةٍ: «تَطَوُّعًا»^۱.

۱- مسلم: ۷۲۸.



وَلِلتَّرْمِذِيِّ نَحْوَهُ وَزَادَ: أَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ وَرَكَعَتَيْنِ بَعْدَهَا
وَرَكَعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرَبِ وَرَكَعَتَيْنِ بَعْدَ الْعِشَاءِ وَرَكَعَتَيْنِ قَبْلَ
صَلَاةِ الْفَجْرِ.

وَلِلْخَمْسَةِ عَنْهَا: «مَنْ حَافِظًا عَلَى أَرْبَعِ قَبْلَ الظُّهْرِ وَأَرْبَعٍ
بَعْدَهَا حَرَّمَهُ اللهُ تَعَالَى عَلَى النَّارِ»

یعنی: ام المومنین، ام حبیبه رضی الله عنها می گوید: (از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم شنیدم که می فرمود: «کسی که در هر شبانه روز دوازده رکعت سنت بخواند، برایش در بهشت خانه ای ساخته می شود». مسلم روایت کرده است، و در روایتی دیگر آمده: «سنت». و همین حدیث را ترمذی روایت کرده است و افزوده: چهار رکعت قبل از ظهر دو رکعت بعد از آن، دو رکعت بعد از مغرب، دو رکعت بعد از عشاء، و دو رکعت قبل از نماز صبح.

خمس از ام حبیبه روایت کرده: «کسی که بر چهار رکعت قبل از ظهر و چهار رکعت بعد از آن پای بندی کند الله او را بر آتش حرام می کند».



۳۴. دو رکعت نماز گزاریدن، پس ارتکاب گناهی

عَنْ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا مِنْ عَبْدٍ يُذْنِبُ ذَنْبًا، فَيُحْسِنُ الطُّهُورَ، ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحْشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ﴾ [آل عمران: ۱۳۵] إِلَى آخِرِ الْآيَةِ. ۱

یعنی: ابوبکر رضی الله عنه می گوید: من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمود: «هر بنده‌ای که مرتکب گناهی شد، سپس خوب وضوء گرفت و دو رکعت نماز خواند و از الله آمرزش طلب نمود، الله او را می بخشد. سپس این آیه را خواند: «و [همان] کسانی که چون مرتکب [گناه کبیره و] کار زشتی شدند یا [با انجام گناه صغیره‌ای] بر خود ستم کردند، الله را به یاد می آورند و برای گناهانشان آمرزش می خواهند - و جز الله چه کسی گناهان را می آمرزد؟- و بر آنچه کرده‌اند پافشاری نمی کنند در حالی که می دانند [گناهکارند و الله بخشاینده و توبه پذیر است]».

۱- صحیح: ابوداود حدیث شماره ۱۵۲۱ و ترمذی حدیث شماره ۳۰۰۶.



نماز شب گزاریدن ۳۵.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَفْضَلُ الصَّيَامِ، بَعْدَ رَمَضَانَ، شَهْرُ اللَّهِ الْمُحَرَّمِ، وَأَفْضَلُ الصَّلَاةِ، بَعْدَ الْفَرِيضَةِ، صَلَاةُ اللَّيْلِ».^۱

یعنی: ابوهریره رضی الله عنه می گوید: من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: «بهترین روزه پس از روزه ی ماه رمضان، روزه ی ماه محرم است و بهترین نماز بعد از فرایض، نماز شب است».

ثابت بنانی رحمه الله می گوید:

بیست سال نفس خود را با قیام اللیل عادت دادم، پس بیست سال دیگر از آن لذت بردم!^۲



نماز ضحی ۳۶.

عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «يُصْبِحُ عَلَيَّ كُلِّ سَلَامِي مِنْ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ، فَكُلُّ تَسْبِيحَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ،

^۱- مسلم حدیث شماره ۱۱۶۳

^۲- فصل الخطاب، (۹۸/۷).



وَكُلُّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ، وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ، وَنَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ، وَيُجْزَى مِنْ ذَلِكَ رَكَعَتَانِ يَرَكَعُهُمَا مِنَ الضُّحَى»^۱.

یعنی: از ابوذر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «هر صبح (هر روز) در برابر هر مفصل انسان، یک صدقه لازم است؛ هر سبحان الله گفتن، یک صدقه است؛ هر الحمد لله گفتن، یک صدقه است؛ هر لا اله الا الله گفتن، یک صدقه است؛ هر الله اکبر گفتن، یک صدقه است؛ هر امر به معروف، صدقه است؛ هر نهی از منکر، صدقه است؛ و به جای همه این‌ها، خواندن دو رکعت نماز ضحی (چاشت) کافی است».

وقت نماز ضحی پس از ارتفاع خورشید به اندازه یک نیزه (یک متر) تقریباً بعد از ۱۵ دقیقه تا قبل از زوال خورشید است. و بهترین زمان ادای آن به هنگام شدت افزایش گرما می‌باشد.





۳۷. درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه وسلم

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرًا»^۱.
 یعنی: ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «هرکس یک درود بر من بفرستد، الله متعال در برابرش ده درود بر او می فرستد».

تعریف درود:

برخی از علما گفته اند صلوات از جانب الله رحمت است، ولی ابن قیم این نظریه را به سه دلیل باطل دانسته:
 اولاً میان رحمت و صلوات تفاوت وجود دارد، چون الله عزوجل میان آنها تفاوت گذاشته در این آیه: ﴿أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ﴾. (البقره: ۱۵۷).

دوم: درخواست رحمت برای هر مسلمانی مشروع و جایز است، ولی صلوات خاص پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - است.



سوم: رحمت الله عام است و شامل همه موجودات می شود، ولي صلوات الله مخصوص بندگان خاص الله است. ولي قول صحيح در این زمینه قولی است که ابوعلیه رفیع بن مهران الریاحی گفته است، قولی که بخاری آنرا روایت کرده که گفت: درود فرستادن الله به معنی ستایش کردن الله بندگان در ملأ اعلی است.

مسائل درود:

- «فرستادن صلوات و سلام بطور مداوم بجز برای پیامبران درست نیست، و برای غیر انبیاء تنها بعضی اوقات درست و جایز است؛ همانگونه که بخاری در صحیح خود آورده که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - درباره صدقه ای که آورده بودند پرسید که مال چه کسی است؟ گفتند مال طایفه ابی اوفی است، پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: اللهم صل علی آل ابی اوفی. پس صلوات فرستادن بر غیر انبیاء درست است مانند اینکه بر شخص خیری که مشهور است درود بفرستی، ولي بشرطیکه این کار عادت نگردد که همیشه بر او صلوات بفرستند.



- بکار بردن حرف اختصار بجای (صلی الله علیه وسلم) مانند حرف (ص) و گذاشتن (صلهم) باعث تعطیل سنت می گردد. و در این زمینه سخاوی شافعی در کتاب: (فتح المغیث شرح الفیه الحدیث) آورده که اولین کسی که از حرف اختصار (ص) استفاده نمود، دستش قطع گردید!!^۱

برای درود فرستادن سه موقعیت وجود دارد:

- ۱- این که پیش از دعا و بعد از شکرگذاری الله متعال بر پیامبر صلی الله علیه وسلم صلوات بفرستد.
- ۲- این که در ابتدا، وسط، و آخر دعا بر پیامبر صلی الله علیه وسلم صلوات بفرستد.
- ۳- این که در ابتدا و انتهای دعا بر پیامبر صلی الله علیه وسلم صلوات بفرستد و نیازش را در بین این دو مطرح نماید. صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه وسلم برای دعا همچون کلید است، ابن قیم رحمه الله می گوید: «کلید دعا صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه وسلم است، هم چنان که وضو کلید نماز است». سپس از احمد بن ابوالحوراء نقل کرده است که گفت: شنیدم ابوسلیمان دارانی می گوید: «کسی

۱- منتقی الآداب الشرعية (۱۲/۱).



که می‌خواهد نیازش را از الله بطلبد ابتدا با صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه وسلم شروع کند آن‌گاه نیازش را درخواست نماید و در پایان بر پیامبر صلی الله علیه وسلم صلوات بفرستد، همانا صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه وسلم پذیرفته می‌شود، و الله بخشنده‌تر از آن است که آنچه میان آن دو صلوات است را رد کرده و نپذیرد»^۱.



۳۸. روزه گرفتن

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، بَعَدَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ سَبْعِينَ خَرِيفًا»^۲.

یعنی: از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که می‌گوید: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌فرمود: «هرکس روزی را در راه الله (جهاد) روزه بگیرد، الله متعال به اندازه‌ی هفتاد سال، چهره او را از دوزخ دور می‌کند».

^۱- جلاء الأفهام (ص: ۲۶۲-۲۶۰).

^۲- متفق علیه؛ بخاری حدیث شماره ۲۸۴۰ و مسلم حدیث شماره ۱۱۵۳ با لفظ بخاری



ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «الله تعالی میفرماید: «کل عمل ابن آدم له إلا الصیام فإنه لی وأنا أجزي به»^۱.

یعنی: «هر کار ابن آدم برای خودش است مگر روزه، که آن برای من است و من جزا و پاداشش را می دهم».

امام ابن عبدالبر رحمه الله می گوید:

برای ما همین کافیست که الله تعالی فرمود: «إِلَّا الصَّوْمَ فَإِنَّهُ لِي، وَأَنَا أَجْزِي بِهِ».

یعنی: «جز روزه، زیرا روزه برای من است و من جزا و پاداش آن را می دهم».



۳۹. روزه‌ی ماه رمضان

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»^۲.

^۱- متفق عليه.

^۲- متفق عليه؛ بخاری حدیث شماره ۳۸ و مسلم حدیث شماره ۷۶۰ با لفظ بخاری



یعنی: «هرکس ماه رمضان را از روی ایمان و برای کسب اجر و ثواب روزه بگیرد، گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شود».



۴۰. روزه‌ی سه روز از هر ماه

وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «صَوْمُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ صَوْمُ الدَّهْرِ كُلِّهِ».

یعنی: از عبد الله بن عمرو بن عاص رضي الله عنهما روایت شده که رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: روزه‌ی سه روز از هر ماه همانند روزه‌ی دائمی است.



۴۱. روزه‌ی ست شوال

عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ ثُمَّ أَتْبَعَهُ سِتًّا مِنْ شَوَّالٍ، كَانَ كَصِيَامِ الدَّهْرِ».^۱

یعنی: ابو ایوب انصاری رضي الله عنه می‌گوید از رسول الله صلي الله عليه وسلم شنیدم که می‌فرمود: «هرکس ماه

۱- مسلم حدیث شماره ۱۱۶۴



رمضان را روزه بگیرد و سپس شش روز از ماه شوال را نیز روزه بدارد، گویا همه سال را روزه گرفته است».

شیخ تویجیری می گوید:

و افضل این است که این شش روز پشت سرهم و بعد از عید باشد و نیز جایز است که پیاپی نباشد.

شیخ ابن عثیمین رحمه الله در شرح ریاض الصالحین

در شرح همین حدیث می نویسد:

از دیگر روزه‌های سنت، روزه گرفتن شش روز از ماه شوال است؛ همان‌گونه که در حدیث ابوایوب انصاری رضی الله عنه آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «هرکه ماه رمضان را روزه بگیرد و سپس شش روز از ماه شوال را نیز روزه بدارد، گویا همه‌ی سال را روزه گرفته است». علما در توضیح و تفسیر این حدیث گفته‌اند: سببش، این است که پاداش هر نیکی ده برابر است؛ لذا ماه رمضان با ده ماه برابری می‌کند و شش روز شوال با شصت روز که معادل دو ماه می‌باشد. بنابراین سنت است که انسان پس از تمام کردن روزه‌ی رمضان، شش روز از شوال را هم روزه بگیرد. البته باید دانست که اگر کسی، از روزه‌ی رمضان، قضایی دارد، باید ابتدا قضایی آن را به‌جا بیاورد



و سپس شش روزِ شوال را روزه بگیرد؛ و گرنه از این اجر و ثواب بزرگ، برخوردار نمی‌شود؛ زیرا رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «هر که ماه رمضان را روزه بگیرد و سپس شش روز از ماه شوال را نیز روزه بدارد، گویا همه‌ی سال را روزه گرفته است». لذا کسی که بیست و نه یا بیست و هشت روز از رمضان را روزه گرفته است، ابتدا باید قضای آن را ادا کند و سپس شش روز به نیت روزه‌ی سنت، روزه بگیرد تا از پاداش یک سال روزه برخوردار شود. گفتنی است: فرقی نمی‌کند که یک روز پس از عید فطر، روزه‌ی شوال را آغاز کنید یا دو یا سه روز بعد؛ هم‌چنین تفاوتی ندارد که این شش روز را پشت سر هم روزه بگیرید یا به صورت پراکنده؛ اما اگر کوتاهی کنید و ماه شوال تمام شود، چنین ثوابی به شما نمی‌رسد؛ مگر این که این تأخیر به سبب عذری مانند بیماری یا مسافرت یا عادت ماهانه برای زنان باشد، نه از روی سهل‌انگاری؛ لذا کسی که به عذر شرعی نمی‌تواند شش روز از شوال را روزه بگیرد و قضایش را در ماه ذی‌قعدة ادا می‌کند، امید است که از این ثواب برخوردار شود. والله اعلم. [ختم سخن شیخ رحمه الله]





روزه‌ی روز عرفه ۴۲

عَنْ أَبِي قَتَادَةَ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سُئِلَ عَنْ صَوْمِهِ؟ ... - وَفِيهِ - وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمٍ، وَإِفْطَارِ يَوْمٍ؟ قَالَ: «ذَاكَ صَوْمُ أَخِي دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ» قَالَ: وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ الْاِثْنَيْنِ؟ قَالَ: «ذَاكَ يَوْمٌ وُلِدْتُ فِيهِ، وَيَوْمٌ بُعِثْتُ - أَوْ أُنْزِلَ عَلَيَّ فِيهِ -» ... وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَرَفَةَ؟ فَقَالَ: «يُكْفَرُ السَّنَةَ الْمَاضِيَةَ وَالْبَاقِيَةَ» قَالَ: وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ؟ فَقَالَ: «يُكْفَرُ السَّنَةَ الْمَاضِيَةَ»^۱

یعنی: از ابوقتاده رضی الله عنه روایت است که از رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد روزه‌اش سوال شد ... و نیز از یک روز در میان روزه گرفتن سوال شد؟ در پاسخ فرمود: «این روزه‌ی برادر من داود علیه السلام می‌باشد». راوی می‌گوید: و از روزه‌ی روز دوشنبه سوال شد؟ فرمود: «دوشنبه روزی است که در آن متولد شده‌ام، به پیامبری مبعوث شدم - یا در این روز بر من وحی نازل شد -» ... و از روزه‌ی روز عرفه سوال شد؟ فرمود: «موجب مغفرت گناهان سال گذشته و آینده می‌شود».

۱- مسلم حدیث شماره ۱۱۶۲.



و از روزه روز عاشورا سوال شد؟ فرمود: «کفاره‌ی گناهان سال گذشته خواهد بود».



۴۳. روزه‌ی روز عاشورا

از ابوقتاده روایت شده که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - درباره‌ی روز عاشورا می‌فرماید:

«أحتسب علي الله أن يكفر السنة التي قبله»^۱.

«گمان می‌برم که الله متعال آن را کفارت سال گذشته قرار

دهد».



۴۴. افطاری دادن روزه‌دار

عَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدِ الْجُهَنِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ فَطَرَ صَائِمًا، كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ غَيْرَ أَنَّهُ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الصَّائِمِ شَيْءٌ»^۲.

یعنی: از زید بن خالد جهنی رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: کسی که روزه‌ء روزه‌داری را

۱- مسلم: ۱۱۶۲.

۲- ترمذی: ۸۰۷.



بگشاید، برای او مثل اجر اوست، بدون اینکه از مزد روزه دار چیزی کم شود.



۴۵. زنده‌داری شب قدر

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»^۱.

یعنی: «کسی که شب قدر را از روی ایمان و به امید اجر و پاداش الهی، به عبادت سپری کند، گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شود».

دکتر **أبو بكر الجزائری** در کتاب: «درسهای روزانه (ص: ۲۳۷)» در معنی «إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا» می‌نویسد:

«إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا»: این حالت مانند شرطیست در حصول اجر و ثواب، ایمان تصدیق است به وعده‌الله به دادن مزد و احتساب: طلب ثواب خاص از الله است که به تشکر و خوش آمدگویی مردم نظر نداشته باشد.

۱- متفق علیه؛ بخاری حدیث شماره ۱۹۰۱ و مسلم حدیث شماره ۷۶۰ با لفظ بخاری



علامه ابن قیم جوزی رحمه الله درباره فضیلت شب قدر می‌فرماید:

«اگر شب قدر در سال، یک شب بود سال را کامل قیام می‌نمودم تا درکش کنم. حال چه فکر می‌کنید که در ده شب قرار دارد».^۱



۴۶. صدقه و انفاق در راه الله عزوجل

عن معاذ رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم

«الْصَّدَقَةُ تُطْفِئُ الْخَطِيئَةَ كَمَا يُطْفِئُ الْمَاءُ النَّارَ».^۲

یعنی: «صدقه، آتش گناه و خطاها را خاموش می‌سازد، چنانکه آب آتش را خاموش می‌کند».

رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «[در قیامت] هر کس زیر سایه‌ی صدقه‌ی خویش است تا آنکه میان مردم داوری شود».^۳

^۱ - بدائع الفوائد: (۱/۵۵۹).

^۲ - ترمذی: (۲۶۱۶).

^۳ - به روایت احمد. نگا: صحیح الترغیب (۸۷۲).



ابن جوزی رحمه الله می گوید:

خواجه نظام الملک طوسی رحمه الله بیمار شد، پس خود را با صدقه مداوا می کرد؛ هر بار گروهی از مستمندان نزد او می آمدند و به آنان صدقه می داد، پس شفا یافت.^۱

مرثد بن عبدالله (ابوالخیر)، روزش به پایان نمی رسد مگر آنکه حتما صدقه ای می داد، حتی اگر تکه ای کیک (نان شیرین) یا دانه ای پیاز یا مانند آن می بود.

علی بن حسین رضی الله عنه هرگاه انسان مستمند، فقر زده و سوالگری نزدش می آمد، خوشی زیادی بر وی دست می داد و خطاب به او می گفت، خوش آمدی ای شخصی که توشه ای مرا تا جهان آخرت حمل می کنی و آنرا می رسانی.^۲

امام ابن قیم رحمه الله می فرماید: مشاهده می کردم که وقتی شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله برای (نماز) جمعه خارج می شد، هر آنچه که در خانه از نان و غیره می بود را بر میداشت و در راه به صورت پنهانی صدقه میداد.^۳

۱- (المنتظم: ۲۹۸/۱۶).

۲- صفة الصفوة (۹۵/۲).

۳- زاد المعاد (۱/۳۹۵).



میمون بن مهران رحمه الله فرمود: «لئن أتصدق بدرهم في حياتي، أحب إلي من أن يتصدق عني بعد موتي بمائة درهم». یعنی: «اگر یک درهم را در زمان حیاتم صدقه دهم، بیشتر از آن دوست دارم که صد درهم را بعد از مرگم برایم صدقه دهند».^۱

آری عزیزان، همیشه کاری برای نزدیکتر شدن به الله است، بنابراین منتظر موقعیت نمان. همین الان هم می‌شود کاری کرد: **مردی ۴۰ هزار درهم به فقرا صدقه داد.** یکی از عابدان وقتی چنین دید به دوستش گفت: دیدی این چقدر انفاق کرد؟ ما چیزی برای انفاق نداریم، بیا با هم برویم [و کاری کنیم] پس رفتند و نماز نفل بسیار خواندند.^۲



۴۷. حج و عمره نمودن

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَقَفَّارَةٍ لِمَا بَيْنَهُمَا، وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ».^۳

۱- حلیة الأولیاء از حافظ أبو نعیم اصفهانی.

۲- حلیة الأولیاء از حافظ أبو نعیم اصفهانی.

۳- متفق علیه؛ بخاری حدیث شماره ۱۷۷۳ و مسلم حدیث شماره ۱۳۴۹



یعنی: ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «انجام مناسک عمره موجب محو شدن گناه‌های صغیره‌ای می‌شود که در بین این عمره و عمره قبلی انجام گرفته است، و حجتی که مورد قبول الله قرار گیرد، پاداشی جز بهشت ندارد».

حسن بصري در معني حج مبرور گفته است: آنست که حاجي پس از بازگشت نسبت بدنیا زاهد و بي رغبت و نسبت به آخرت راغب و مایل باشد.

شیخ محمد فؤاد عبدالباقی می‌گوید:

حج مبرور آن است که با مال حلال و نیت خالص و بدون ریا و به دور از گناه و اذیت و آزار دیگران انجام گیرد.



۴۸. انجام عمل صالح در دهه ذی الحجه

عن ابن عباسٍ رضي الله عنهما، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «ما من أيام العمل الصالح فيها أحب إلي الله من هذه الأيام» يعني: أيام العشر، قالوا: يا رسول الله ولا الجهاد في سبيل الله؟ قال: «ولا الجهاد في سبيل



اللَّهُ، إِلَّا رَجُلٌ خَرَجَ بِنَفْسِهِ، وَمَالِهِ فَلَمْ يَرْجِعْ مِنْ ذَلِكَ بِشَيْءٍ»^۱.

یعنی: ابن عباس رضي الله عنهما روایت می‌کند که رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: هیچ روزی نیست که در آن عمل صالح نزد الله تعالی محبوبتر از این روزها باشد، یعنی روزهای دهه.

گفتند: یا رسول الله صلي الله عليه وسلم و حتی جهاد في سبيل الله؟

فرمود: و حتی جهاد في سبيل الله، مگر مردی که جان و مالش را بیرون کرده و هیچ چیزی از آن را باز نگرداند (به سنگر شتافته و شهید شود).



۴۹. جهاد در راه عزوجل

عَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ جَهَّزَ غَازِيًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَقَدْ غَزَا، وَمَنْ خَلَفَ غَازِيًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِخَيْرٍ فَقَدْ غَزَا»^۲.

۱- بخاری: (۳۸۱/۱).

۲- متفق علیه؛ بخاری حدیث شماره ۲۸۴۳ و مسلم حدیث شماره ۱۸۹۵ با لفظ بخاری



یعنی: زید بن خالد رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «هرکس مجاهدی را در راه الله، مجهز کند (ساز و برگ نظامی‌اش را فراهم سازد) همانا جهاد کرده است. و هرکس که خانواده مجاهدی را به نحو شایسته، سرپرستی نماید، او نیز جهاد کرده است».

امام ابن قیم رحمه الله در کتاب گرانبهای زاد المعاد ذکر نموده‌اند، جهاد چهار مرتبه دارد:

۱. جهاد نفس،
۲. جهاد شیطان،
۳. جهاد کفار،
۴. و جهاد منافقین.

- جهاد نفس نیز چهار مرتبه دارد که عبارت هستند از:

علم، عمل به آن، دعوت به سوی آن و صبرنمودن بر آزار و اذیتی که به سبب آن عاید حال دعوتگر می‌گردد.

امام ابن قیم رحمه الله می‌گوید: وقتی این مراتب چهارگانه کامل شد، شخص از جمله علمای ربانی به شمار می‌رود؛ چون علمای سلف بر این اتفاق نظر دارند که کسی عالم ربانی نامیده نمی‌شود تا اینکه حق را بداند، و به آن عمل کند و به



دیگران آموزش دهد، پس هرکس علم آموخت و به آن عمل کرد و به دیگران آموخت، این شخص در مملکت عظیم آسمان‌ها بزرگوار نامیده می‌شود.

- **و جهاد شیطان دو مرتبه دارد:** جهاد علیه دفع شبهات، و جهاد علیه نیت‌های فاسد و شهوات، و بعد از جهاد علیه دفع شبهات یقین حاصل می‌شود و پس از جهاد علیه نیت‌های فاسد صبر حاصل می‌شود.

- **و جهاد کفار و منافقین چهار مرتبه دارد:** با قلب، با زبان، با مال و با جان. و جهاد با کفار به طور خاص با دست، و جهاد منافقین خاص با زبان انجام می‌پذیرد.

- **جهاد با ظالمان، بدعتی‌ها و ترویج‌دهندگان منکرات سه مرتبه دارد:** نخست با دست اگر فرد قادر به آن بود. و اگر عاجز ماند از این مرحله به جهاد زبانی منتقل می‌شود و اگر به زبان نیز عاجز بود با قلب خود جهاد می‌کند.

ابن قیم رحمه الله می‌گوید: «این سیزده مرتبه جهاد است و کسی که جهاد نکرده یا آرزوی جهاد نداشته باشد و بمیرد، بر یکی از شاخه‌های نفاق مرده است» و این سخنی ارزشمند و درست است.



- هرکس در این مراتب جهاد دقت کند برنامه و روش زندگی برایش آشکار می‌شود، و در انجام دادن جهاد به وجه احسن، طبق مراتب مذکور و براساس ارشادات قرآن و سنت نبوی، حریص می‌شود. الله متعال می‌فرماید: ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ﴾ [الحج: ۷۸] «و در راه الله جهاد کنید، چنانکه سزاوار جهاد (در راه) او است».

- جهاد با تمام انواع ذکر شده آن بر شخص مکلف در صورتی واجب است که توانایی آن را داشته باشد چنانکه الله متعال می‌فرماید: ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ﴾ [التغابن: ۱۶] «پس تا (جایی که) می‌توانید از الله بترسید».

و این امر بهانه‌جویی شخص را که می‌گوید: برپانمودن این امور سخت است! از بین می‌برد.

- و هر فرد مؤمن که هر نوعی از این انواع جهاد را انجام بدهد، او سرباز الله بوده و در حزب او تعالی است. و این همان سربازی و خدمت درست است بلکه بهترین سربازی است، پس سعی کن تا سرباز واقعی الله باشی، و برای رضایت الله عزوجل کار کنی و در نتیجه محبت، رضایت و فضل عظیم او سبحانه نصیبت گردد.



۵۰. انفاق در راه الله عزوجل

عَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ : «مَنْ جَهَّزَ غَازِيًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَقَدْ غَزَا، وَمَنْ خَلَفَ غَازِيًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِخَيْرٍ فَقَدْ غَزَا».^۱

یعنی: زید بن خالد - رضی الله عنه - روایت می کند که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «هرکس که مجاهدی را در راه الله، مجهز کند (ساز و برگ نظامی اش را فراهم سازد) همانا جهاد کرده است. و هر کس که خانواده مجاهدی را بنحو شایسته، سرپرستی نماید، او نیز جهاد کرده است».



۵۱. ادای نماز جنازه، و ماندن تا دفن آن

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ : «مَنْ اتَّبَعَ جَنَازَةَ مُسْلِمٍ، إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا، وَكَانَ مَعَهُ حَتَّى يُصَلَّى عَلَيْهَا وَيَفْرُغَ مِنْ دَفْنِهَا، فَإِنَّهُ يَرْجِعُ مِنَ الْأَجْرِ بِقِيرَاطَيْنِ، كُلُّ قِيرَاطٍ مِثْلُ أُحُدٍ، وَمَنْ صَلَّى عَلَيْهَا ثُمَّ رَجَعَ قَبْلَ أَنْ تُدْفَنَ، فَإِنَّهُ يَرْجِعُ بِقِيرَاطٍ».^۲

۱- (بخاری: ۲۸۴۳).

۲- متفق علیه؛ بخاری حدیث شماره ۴۷ و مسلم حدیث شماره ۹۴۵ با لفظ بخاری



یعنی: ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «هرکس با ایمان و به نیت کسب ثواب، در تشییع جنازه مسلمانی شرکت کند و تا پایان نماز جنازه و خاک‌سپاری وی حاضر باشد، با دو قیراط پاداش باز می‌گردد که هر قیراط، مانند کوه احد است و هرکس بر جنازه‌ای نماز بخواند و پیش از خاک‌سپاری وی باز گردد، با یک قیراط باز می‌گردد».

اعمش رحمه الله می‌گوید: ما آماده‌ی تشییع جنازه‌ای می‌شدیم، نمی‌دانستیم چی کسی از اقوام مرده است، بخاطری زیادی کسانی که گریه می‌کردند، اما گریه‌یشان بخاطر خودشان و از ترس گناهانشان بود، نه بخاطر مرده.^۱

از این حدیث دانسته می‌شود، کسی که بخاطر حيله‌ی اسقاط و گرفتن جای نماز و مصحف به جنازه‌ها حضور می‌یابد، برای وی ثوابی مرتب نیست، و از الله عزوجل استدعا داریم که قیراط‌های گناه را برای ملامت و مبتدع وطن ما، در میزان اعمال‌شان بنویسد.



^۱ - العاقبة في ذكر الموت والآخرة (۱۵۴).



۵۲. حفظ زبان و شرمگاه

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، فِي يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ، كَانَتْ لَهُ عَدَلٌ عَشْرٍ رِقَابٍ، وَكُتِبَتْ لَهُ مِائَةُ حَسَنَةٍ وَمُحِيتَ عَنْهُ مِائَةُ سَيِّئَةٍ، وَكَانَتْ لَهُ حِرْزًا مِنَ الشَّيْطَانِ، يَوْمَهُ ذَلِكَ، حَتَّى يُمْسِيَ وَلَمْ يَأْتِ أَحَدٌ أَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ بِهِ إِلَّا أَحَدُ عَمَلٍ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ»^۱.

یعنی: ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «هرکس روزانه صد بار بگوید: «لا اله الا الله و حده لا شریک له، له الملک وله الحمد وهو على کل شیء قدير»، پاداشی برابر با آزاد کردن ده برده به او می رسد و صد نیکی برایش ثبت می شود و صد گناه از گناهانش پاک می گردد و آن روز تا غروب، از شر شیطان حفاظت می شود و هیچ کس عملی بهتر از او انجام نداده است؛ مگر کسی که بیش از او این ذکر را گفته باشد».

۱- متفق علیه؛ بخاری حدیث شماره ۶۴۰۳ و مسلم حدیث شماره ۲۶۹۱ با لفظ مسلم



سلف صالح قبل از گفتن هر سخنی، نخست به آن فکر می‌کردند و سپس آنرا به زبان می‌آوردند.

ابن دقیق العید می‌گوید: سخنی به زبان نیاوردم و کاری نکردم مگر آنکه برایش جوابی نزد الله آماده کرده‌ام.^۱

ثابت بن قره رحمه الله می‌گوید: «آسایش بدن در کم غذا خوردن است، و آسایش درون با کم گناه کردن، و آسایش زبان با کم سخن گفتن» [زاد المعاد].

به بکر بن عبد الله مزنی رحمه الله گفته شد: تو چرا به مدت طولانی ساکت می‌مانی و سخن نمی‌گویی؟! فرمود: زبانم حیوان درنده است اگر آن را رها کنم مرا می‌خورد.^۲

شیخ الاسلام ابن تیمیه در بیان حال بسیاری از مردم چنین می‌گوید: «عجیب است که برخی از مردم به سادگی از خوردن حرام و ستم و دزدی و شرب خمر و نگاه به سوی حرام و دیگر گناهان دوری می‌کنند، اما حفظ حرکت زبان برایشان سخت است تا جایی که می‌بینی انسانی که به دین‌داری و زهد و عبادت مشهور است سخنی از روی خشم الله به زبان

^۱ - فتح المغیث (۱/ ۹۳).

^۲ - بحجة المجالس (۱۱).



می آورد که به آن اهمیتی نمی دهد و بایک کلمه آن بیش از فاصله مشرق و مغرب سقوط می کند».

چه بسیارند کسانی که از فواحش و ستمگری دوری می کنند اما زبانشان آلوده تهمت به ناموس و آبروی زندگان و مردگان است و این، هیچ اهمیتی برایشان ندارد.

از یکی از حکیمان روایت شده است که مردی را دید که بسیار سخن می گفت و کم سکوت پیشه می کرد، پس به او گفت: «الله متعال برای تو دو گوش آفریده است و یک زبان، تا آنکه آنچه می شنوی دو برابر آنچه می گویی باشد».

جبیر بن عبدالله می گوید: وهب بن منبه را دیدم که مردی به حضورش رسید و گفت: فلان کس تو را بد می گوید. وهب گفت: «آیا شیطان کسی دیگر جز تو نیافت که او را سبک بدارد؟» سپس طولی نکشید که همان مرد (که بدگویی وهب را کرده بود) آمد و وهب او را گرامی داشت.

حاتم اصم می گوید: «اگر کسی که برای تو صاحب سودی است نزد تو باشد زبانت را از آنچه باعث رنجش او است حفظ خواهی کرد، در حالی که همه سخنانت بر الله عرضه خواهد شد اما زبان خود را از او حفظ نمی کنی».



مردی در حضور معروف کرخی غیبت کسی را نمود. معروف به او گفت: «به یاد بیاور آن هنگامی را که پنبه بر روی چشمانت می‌نهند».

از ابن عباس روایت است که می‌گفت: «هر سخنی که انسان بر زبان بیاورد بر او نوشته خواهد شد حتی آه و ناله‌ای که در هنگام بیماری به زبان می‌آورد».

عمر بن عبدالعزیز می‌گوید: «هر که بداند سخنش نیز جزوی از عمل اوست کم سخن خواهد گفت مگر در چیزی که به سود اوست و به او مربوط است».

عبدالرحمن بن مهدی می‌گوید: «اگر اینگونه نبود که دوست ندارم کسی معصیت الله را انجام دهد آرزو می‌کردم همه مردم این زمانه مرا بدگویی و غیبت کنند، زیرا چه چیز از این خوش‌تر است که انسان در روز قیامت نیکی‌هایی را در پرونده اعمالش بیابد که نه آن را انجام داده است و نه از آن اطلاعی داشته است!».



ایاس بن معاویه می گوید: هر شخصی که عیب خود را نمی داند احمق است. پرسیدند عیب شخص چیست؟ گفت: زیاد حرف زدن.^۱

امام اوزاعی از تابعی بزرگوار عبدالله بن ابی زکریای خزاعی چنین نقل می کند: ۲۰ سال تمام در کنترل و معالجه زبانم کوشیدم تا سر انجام راست شد...!



۵۳. گفتن لا اله الا الله، وسبحان الله وبحمده

وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، فِي يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ كَانَتْ لَهُ عَدْلُ عَشْرِ رِقَابٍ وَكُتِبَتْ لَهُ مِائَةُ حَسَنَةٍ، وَمُحِيتَ عَنْهُ مِائَةُ سَيِّئَةٍ، وَكَانَتْ لَهُ حِرْزًا مِنَ الشَّيْطَانِ يَوْمَهُ ذَلِكَ حَتَّى يُمْسِيَ، وَلَمْ يَأْتِ أَحَدٌ بِأَفْضَلِ مِمَّا جَاءَ بِهِ إِلَّا رَجُلٌ عَمِلَ أَكْثَرَ مِنْهُ»، وَقَالَ: «مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، فِي يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ، حُطَّتْ خَطَايَاهُ، وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ».^۲

^۱ - حلیة الاولیاء (۳/۱۲۴).

^۲ - بخاری: (۱۶۸/۱۱)، مسلم: (۲۶۹۱).



یعنی: ابوهریره - رضي الله عنه - مي گوید: رسول الله - صلی الله عليه وسلم - فرمود: «هرکس، روزانه صد بار لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بگوید، به او به اندازه آزاد ساختن ده برده، ثواب مي رسد. و همچنین صد نيکي برايش نوشته مي شود و صد گناه از گناهانش، پاک مي گردد و آروز تا شب از شيطان، حفاظت مي شود. و هيچ کس (در روز قيامت) عملي بهتر از آن نمي آورد مگر فردي که عمل بيشتري انجام دهد». يعني همين کلمه را بيشتر بگويد و يا به طور کلي، اعمال بيشتري انجام داده باشد.

اهل بدعت از متصوفين بجای ايجاد اذکار بدعی، چرا به اذکار و ادعیه‌ی از قرآن و حديث تمسک نمی جویند، تا بوسیله ای آنها به الله عزوجل قربت جویند، و ما نیز آنها را مهر تأیید بزینیم.

در ذیل، برخی از کتبی را که فقط اذکار و ادعیه‌ی صحیح را جمع آوری نموده اند، بیان می دارم:

۱. الاذکار، از امام نووی رحمه الله



۲. صحیح أذکار الصلاة، از شیخ عبدالمحسن عباد حفظه الله،

۳. صحیح الأذکار، از شیخ مصطفی العدوی حفظه الله،

۴. فقه الأدعية والأذکار، از شیخ عبد الرزاق بن عبد المحسن البدر حفظه الله،

۵. من الأذکار النبویة فی الحیاة الیومیة، از عبد الله بن أحمد العلاف الغامدی حفظه الله،

۶. حصن المسلم من أذکار الكتاب والسنة، از شیخ سعید بن علی وهف القحطانی رحمه الله،

۷. (۱۰۰) دعاء من الكتاب والسنة، از شیخ محمد صالح منجد حفظه الله که خوشبختانه ترجمه نیز شده است.



۵۴. دور کردن اشیایی مضر از راه

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَقَدْ رَأَيْتُ رَجُلًا يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ فِي شَجَرَةٍ قَطَعَهَا مِنْ ظَهْرِ الطَّرِيقِ كَأَنَّهُ تُؤَذِّي الْمُسْلِمِينَ»^۱.

۱- متفق عليه؛ بخاری حدیث شماره ۶۵۲ و مسلم در کتاب البر حدیث شماره ۱۹۱۴ با لفظ مسلم.



یعنی: از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «مردی را دیدم که در بهشت در حال گردش بود؛ زیرا درختی را که سبب اذیت و آزار مسلمانان بود، از سر راه قطع کرده و برداشته بود».



۵۵. سرپرستی و تربیت فرزندان دختر

عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: «قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم -: مَنْ كَانَ لَهُ ثَلَاثُ بَنَاتٍ أَوْ ثَلَاثُ أَخَوَاتٍ أَوْ ابْنَتَانِ أَوْ أُخْتَانِ فَأَحْسَنَ صُحْبَتَهُنَّ وَ اتَّقَى اللَّهَ فِيهِنَّ فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۱.

یعنی: «از ابی سعید الخدری - رضی الله عنه - روایت است که: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: کسی که سه دختر یا سه خواهر، یا دو دختر یا دو خواهر داشته باشد (سرپرستی آنها را بدوش داشته باشد) سپس با آنها به خوبی رویه و برخورد نموده و بر آنها صبر کرد و از الله در مورد آنها ترسید، وارد بهشت خواهد شد».

۱- أحمد بسند جيد.



دختر عبدالله بن مسعود رضی الله عنه که کودک بود به نزد او آمد، پس عبدالله او را در آغوش گرفت و بوسید و گفت: خوش آمدی، ای حجاب [و حافظ] عبدالله از آتش دوزخ! (مکارم الأخلاق خرائطی)

شیخ صالح العصیمی حفظه الله می گوید:

دختران دو جیم شریف دارند:

۱. جَنَّة به معنی بهشت،

۲. وَجُنَّة به معنی سپر.

آنها با لطف و مهربانی شان جنت دنیا هستند، و در آخرت برای کسی که حق آنها را به جای آورد، محافظی از آتش جهنم خواهند بود.



۵۶. ترحم بر حیوانات

ابوهریره رضی الله عنه از رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم روایت می کند که فرمودند: «أَنْ رَجُلًا رَأَى كَلْبًا يَأْكُلُ الثَّرِي مِنَ الْعَطَشِ فَأَخَذَ الرَّجُلُ خَفَهُ فَجَعَلَ يَغْرِفُ لَهُ بِهِ حَتَّى أَرَوَاهُ فَشَكَرَ اللَّهُ لَهُ فَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ»^۱.

۱- صحیح البخاری: (۲۲۴۴).



یعنی: مردی سگی را دید که از تشنگی خاک می خورد، کفش خود را گرفت و [از چاه] برایش آب کشید تا این که سیراب شد، الله او را سپاس گفته به بهشت وارد نمود.

فضیل بن عیاض رحمه الله می گوید:

"والله ما يحلُّ لك أن تُؤذي كلباً ولا خنزيراً بغير حق فكيف تُؤذي مسلماً؟!".^۱

به الله سوگند بر تو حلال نیست که سگ یا خوکی را بیازاری! پس چگونه مسلمین را آزار می دهی؟.



۵۷. ترک خصومت و دعوی

وعن أبي أُمَامَةَ الْبَاهِلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَنَا زَعِيمُ بَيْتٍ فِي رَبْضِ الْجَنَّةِ لِمَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ. وَإِنْ كَانَ مُحِقًّا، وَبَيْتٍ فِي وَسْطِ الْجَنَّةِ لِمَنْ تَرَكَ الْكَذِبَ، وَإِنْ كَانَ مَازِحًا، وَبَيْتٍ فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ لِمَنْ حَسَنَ خُلُقَهُ».^۲

۱- سیر أعلام النبلاء از امام ذهبی رحمه الله (۸/۴۲۷).

۲- حدیث صحیح، رواه أبو داود بإسناد صحیح.



یعنی: ابو امامه باهلی رضی الله عنه روایت نموده که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمود: من ضامنم بخانه ای در طبقات پایین بهشت برای کسی که خصومت و دعوی را ترک کند، هرچند که حق بجانب هم باشد و بخانه ای در وسط بهشت برای کسی که دروغ را ترک کند، هر چند که برای مزاح هم باشد و به خانه ای در بالاترین طبقات بهشت برای کسی که اخلاقش نیکو باشد.



۵۸. زیارت دوستان بخاطر الله عزوجل

وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِرِجَالِكُمْ فِي الْجَنَّةِ؟». قُلْنَا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَالَ: «النَّبِيُّ فِي الْجَنَّةِ، وَالصَّادِقُ فِي الْجَنَّةِ، وَالرَّجُلُ يَزُورُ أَخَاهُ فِي نَاحِيَةِ الْمِصْرِ، لَا يَزُورُهُ إِلَّا اللَّهُ فِي الْجَنَّةِ» الْحَدِيثُ^۱.

یعنی: از انس رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «آیا شما را به مردان تان در بهشت خبر ندهم؟». گفتیم: بله، ای رسول الله صلی الله علیه وسلم! فرمود:

۱- حسن لغیره. رواه الطبرانی في "الأوسط" و"الصغير".



«پیامبر در بهشت است. صدیق در بهشت است. و مردی که به خاطر الله عزوجل برادرش را در گوشه‌ای از شهر ملاقات می‌کند، در بهشت است.»



۵۹. اطاعت زن از شوهرش

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ حَمْسَهَا، [وَصَامَتْ شَهْرَهَا]، وَحَصَّنَتْ فَرْجَهَا، وَأَطَاعَتْ بَعْلَهَا، دَخَلَتْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَتْ»^۱.

یعنی: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اگر زن نماز پنجگانه را خوانده و روزهی رمضان را گرفته و شرمگاهش را حفظ نموده و از شوهرش اطاعت کند، از هر در بهشت که بخواهد وارد آن می‌گردد.»

و نیز پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

۱- الترغیب والترہیب: (۲۹۳۰).



بهترین زنان زنی است که وقتی به او نگاه می‌کنی، تو را خوشحال و وقتی که به او امر می‌کنی، تو را اطاعت کند، و در غیاب تو حافظ خود و مال شما باشد. (ابن ماجه روایت کرده است.



۶۰. دست‌دراز نکردن (به عنوان گدایی) طرف مردم

وَعَنْ ثُوبَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ تَكَفَّلَ لِي أَنْ لَا يُسْأَلَ النَّاسَ شَيْئًا، وَأَتَكَفَّلَ لَهُ بِالْجَنَّةِ؟» فَقُلْتُ: أَنَا، فَكَانَ لَا يُسْأَلُ أَحَدًا شَيْئًا.^۱

یعنی: از ثوبان رضي الله عنه روایت شده که رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: کي به من تضمين مي دهد تا از مردم چیزی را نطلبد و من بوي بهشت را ضمانت کنم؟
گفتم: من. و او از کسی چیزی نمی طلبید.

ختم کتاب به یاری رحمان، زمستان: ۱۴۰۱

۱- رواه أبو داود بإسنادٍ صحيح.



فهرست مصادر و مراجع

- ۱- ابن ابی عاصم، السنة، المكتب الاسلامی، بیروت، چاپ نخست، ۱۴۰۰هـ/۱۹۸۰م.
- ۲- ابن أثير، جامع الأصول فی أحاديث الرسول، مكتبة الحلواني و آخرون، سوریه.
- ۳- ابن الجوزی، القرامطة، انتشارات: المكتب الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۱هـ..
- ۴- ابن العربی، أحكام القرآن، مكتبة عيسى البابي الحلبي، ۱۳۰۷هـ/۱۹۶۷م.
- ۵- ابن القيم الجوزية، أعلام الموقعين، دارالكتب الحديثة، قاهره، ۱۳۸۹هـ/۱۹۶۹م.
- ۶- ابن القيم الجوزية، بدائع الفوائد، دارالكتاب العربي، بیروت.
- ۷- ابن القيم، الصواعق المرسله، چاپخانه امام، قاهره.
- ۸- ابن القيم، الفوائد، چاپخانه صبيح، قاهره.



- ۹- ابن القيم، مفتاح دار السعادة، چاپخانه صبيح، قاهره.
- ۱۰- ابن الوزير، البرهان الساطع، المكتبة السلفية، قاهره.
- ۱۱- ابن الوزير، إيثار الحق، دارالكتب العلمية، بيروت، چاپ نخست، ۱۴۰۳هـ/۱۹۸۳م.
- ۱۲- ابن الوزير، ترجيح أساليب القرآن على أساليب اليونان، دارالكتب العلمية، بيروت.
- ۱۳- ابن بدران، العقود الياقوتية، چاپخانه: صحابه، كويت، چاپ نخست، ۱۴۰۴هـ/۱۹۸۴م.
- ۱۴- ابن تيمية، ارسالة المدنية، دار طيبة، رياض، چاپ نخست، ۱۴۰۸هـ.
- ۱۵- ابن تيمية، العقيدة الواسطية، مكتبة السلفية، قاهره، چاپ نهم، ۱۳۹۹هـ..
- ۱۶- ابن تيمية، شرح العقيدة الاصفهانية، دار الكتب الحديثة، قاهره.



- ۱۷- ابن تیمیة، مجموع فتاوی شیخ الاسلام، جمع آوری: ابن قاسم، نشر: دولت عربستان سعودی.
- ۱۸- ابن حجر، تلخیص الحبیر، چاپخانه: شرکت الطباعة الفنية، قاهره.
- ۱۹- ابن حجر، فتح الباری، مکتبة السلفية، قاهره، چاپ اول.
- ۲۰- ابن حزم، المحلی، المکتب التجاري، بیروت، تحقیق: احمد شاکر.
- ۲۱- ابن عبد البر، التمهید لمل فی الموطأ من المعانی و الاسانید، انتشارات: وزارت اوقاف کشور مغرب، ۱۳۹۹هـ/۱۹۷۹م.
- ۲۲- ابن کثیر، البداية و النهاية، مکتبة المعارف، بیروت، لبنان، چاپ دوم، ۱۳۹۴هـ/۱۹۷۴م.
- ۲۳- ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، چاپ: دارالأندلس، بیروت، چاپ نخست، ۱۳۸۵هـ/۱۹۵۴م.



- ۲۴- ابن ماجه، سنن ابن ماجه، چاپخانه: دار إحياء الكتب العربية، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، قاهره، ۱۹۷۳هـ/۱۹۵۳م.
- ۲۵- ابن ماجه، صحيح سنن ابن ماجه، مكتب التربية لدول الخليج، ۱۴۰۸هـ/۱۹۸۸م.
- ۲۶- ابو الحسن أشعري، مقالات الاسلاميين، دار إحياء التراث العربي، بيروت.
- ۲۷- ابوالحسن اشعري، الإبانة، مطبوعات الجامعة الاسلامية، مدينه منوره.
- ۲۸- احمد بن حنبل، الرد على الزنادقة و الجهمية، چاپخانه: مطبعة السلفية، قاهره، ۱۳۹۹هـ.
- ۲۹- امام احمد، مسند الامام احمد، تصوير المكتب الاسلامي، بيروت.
- ۳۰- بخاری، صحيح بخاری، بر اساس متن فتح الباری، چاپخانه سلفیه، قاهره، چاپ اول.



- ۳۱- ترمذی، سنن ترمذی، دار التراث العربی، بیروت.
- ۳۲- ترمذی، صحیح سنن الترمذی، مکتب التریبة لدول الخلیج، ۱۴۰۸هـ/۱۹۸۸م.
- ۳۳- تنزیه الشریعة المرفوعة عن الأخبار الشنیعة و الموضوعة.
- ۳۴- جمال الدین قاسمی، تاریخ المعتزلة و الجهمیة، مؤسسه الرساله، بیروت، چاپ نخست، ۱۳۹۹هـ/۱۹۷۹م.
- ۳۵- سفارینی، لوامع الانوار البهیة، نشر: دولت قطر.
- ۳۶- شرباصی، موسوعة الأسماء الحسنی، چاپ نخست، ۱۴۰۲هـ/۱۹۸۱م.
- ۳۷- شوکانی، التحف فی مذاهب السلف، داخل مجموعه الرسائل المنیریة به چاپ رسیده است.
- ۳۸- شوکانی، نیل الاوطار، مصطفی البابی الحلبی، قاهره.
- ۳۹- ابن عثیمین، شرح ریاض الصالحین، نشر احسان، بیروت، چاپ اول.



۴۰- شهرستانی، نه‌ایة الإقدام فی علم الکلام، مکتبة المثنی،

بغداد.

۴۱- شیخ حافظ بن احمد حکمی، معارج القبول، انتشاراتک

دائرة الافتاء، عربستان سعودی.

۴۲- صحیح الجامع الصغیر، المکتب الاسلامی، بیروت، چاپ

اول.

۴۳- صحیح مسلم بشرح النووی، چاپخانه و کتابفروشی:

مصریة،

۴۴- صدیق حسن خان، أبجد العلوم، وزارة الثقافة، سوریه،

چاپ نخست، ۱۹۸۸ م.

۴۵- صدیق خان، الدین الخالص، مکتبة دارالعروبة، قاهره،

۱۳۷۹هـ/۱۹۷۹م.

۴۶- صنعانی، سبل السلام شرح بلوغ المرام، دار الفرقان، عمان.



- ٤٧- طبری، تفسیر طبری، مصطفی البابی الحلبي، قاهره، چاپ دوم، ١٣٧٣هـ/١٩٥٤م.
- ٤٨- عبد القاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، دارالمعرفة، بیروت، تحقیق: محمد محی الدین عبد الحمید.
- ٤٩- عرفان عبد الحمید، دراسات فی الفرق و العقائد الاسلامیة، مؤسسة الرسالة، بیروت، چاپ نخست، ١٤٠٤هـ/١٩٨٤م.
- ٥٠- غزالی، فضائح الباطنیة، الدار العربیة للطباعة و النشر، ١٣٨٣هـ/١٩٦٤م.
- ٥١- فیروزآبادی، بصائر ذوی التمییز، چاپ: المجلس الأعلى للشؤون الاسلامیة، قاهره.
- ٥٢- قاضی عبد الجبار و دیگران، رسائل العل و التوحید، دار الشروق، قاهره، چاپ دوم، ١٤٠٨هـ/١٩٨٨م.
- ٥٣- لالکائی، شرح أصول إعتقاد اهل السنة و الجماعة، انتشارات: دار طیبة، ریاض.



- ۵۴- لسان العرب، مرتب و آماده کردن: یوسف خیاط و ندیم مرعشلی، دار لسان العرب، بیروت، چاپ نخست.
- ۵۵- محمد بن حسن دیلمی، مذهب الباطنية، انتشارات: دار ابن قتیبه، کویت.
- ۵۶- محمد بن محمد بن أبو العز حنفی، شرح العقيدة الطحاوية، المكتب الاسلامی، بیروت.
- ۵۷- محمد خلیل هراس، دعوة التوحيد، مكتبة طنطا، مصر.
- ۵۸- محمد صدیق خان، خبیئة الأکوان فی إفتراق الأمم علی الأديان، دارالکتب العلمیة، بیروت، چاپ نخست، ۱۴۰۵هـ/۱۹۸۴م.
- ۵۹- مشکاة المصابیح، المكتب الاسلامی.